



قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

تحول معنوی ضامن تحقق دولت اسلامی

شناسنامه مطلب	
t-171	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/آشنایی با مسیر/ضرورت تزکیه نفس	رده
تحول معنوی، تزکیه نفس، دولت اسلامی، تغییر بینش، امام خامنه‌ای	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

« يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ * فُمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفُهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا »^۱

هان ای جامه به خود پیچیده! پاره‌ای از شب به جز اندکی از آن را برخیز و زنده بدار یا نصف آن را و یا کمی کمتر از نصف را و یا اندکی بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان آماده باش که به زودی کلامی سنگین بر تو نازل می‌کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ حِبَايَةَ خَرَايجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِثَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا وَ أَنْ يُنْصَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ [بِيَدِهِ وَ قَلْبِهِ] بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكَفَّلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ [مِنْ نَفْسِهِ عِنْدَ] نَفْسِهِ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ [يَنْزِعَهَا] يَرْعَاهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ ثُمَّ اعْلَمْ يَا مَالِكُ أَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُؤْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلِ وَ جَوْرِ وَ أَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَ يَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ [تَقُولُهُ] تَقُولُ فِيهِمْ وَ إِنَّمَا يَسْتَدِلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَاْمْلِكْ هَوَاكَ وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ»^۲

بسم الله الرحمن الرحيم این فرمانی است که بنده خدا امیر المؤمنین در پیمانش به مالک بن حارث اشتر زمانی که او را به فرمانروایی مصر برگزید دستور داد، تا مالیاتهای آن را جمع کند، و با دشمنش جهاد نماید، و به اصلاح اهلس برخیزد، و شهرهایش را آباد سازد.

او را فرمان می‌دهد به تقوای الهی، و مقدم داشتن طاعت خدا، و پیروی آنچه را که خداوند در کتابش از واجبات و سنت‌های خود امر فرموده، که کسی جز به پیروی آنها خوشبخت نمی‌شود، و

۱ - مزمل؛ آیات ۱-۵

۲ - نهج البلاغة (للصّبحي صالح)، ص: ۴۲۷

جز به انکار و ضایع نمودن آنها بدبخت نمی‌گردد؛ و دیگر آنکه خداوند سبحان را به قلب و دست و زبانش یاری کند، زیرا خداوند یاری یاری کننده خود، و عزّت آن کس را که او را عزیز بدارد ضامن شده. او را دستور می‌دهد که نفس را به وقت خواسته‌های نابجا درهم شکند، و آن را به هنگام سرکشی‌ها باز دارد، که نفس امر کننده به بدی است مگر خداوند رحم نماید.

ای مالک، آگاه باش که تو را به شهرهایی روانه کردم که پیش از تو فرمانروایانی در آن به عدالت و ستم حکومت کردند، و مردم به وضع تو به همان صورت می‌نگرند که تو به حاکمان پیش از خود می‌نگریسته‌ای، و همان را در حقّ تو می‌گویند که تو درباره حاکمان گذشته مصر می‌گفته‌ای؛ شایستگان را به ذکر خیری که خداوند بر زبان بندگانش جاری می‌کند می‌توان شناخت. پس باید محبوب ترین اندوخته‌ها در نزد تو عمل صالح باشد. بنابر این بر هواهای مسلط باش، نسبت به خود از آنچه بر تو حلال نیست بخل بورز، زیرا بخل به خود، انصاف دادن از خود است در رابطه با آنچه محبوب یا منفور انسان است.^۱

بار سنگین انقلاب اسلامی، با هیچ بار و تکلیفی قابل مقایسه نیست. حقیقتاً انقلاب را سالم نگه داشتن و سالم جلو بردن، کار سنگینی است. انقلاب و حکومت ما، مثل انقلابها و حکومت‌های دیگر نیست. خدای متعال به رسول اکرم (ص) خطاب فرمود: « يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا »^۲. این سخن و بار سنگین، حتی بر دوش پیامبر آن چنان سنگین است که او را محتاج به تربیت معنوی و نفسانی و تزکیه‌ی روحی و تمرین مداوم می‌کند و ما افراد ضعیف در مقابل آن چشمه‌های جوشان قدرت و نیروی الهی، جای خود داریم.^۳

۱ - نهج البلاغه؛ ترجمه انصاریان، متن، ص: ۲۹۱

۲ - مزمل؛ آیات ۱-۵

۳ - در دیدار با جمعی از علماء ائمه جمعه و جماعات، مسئولان دستگاه‌های اداری و نهادهای انقلابی و تشکیلات قضائی، جمع کثیری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان نیروی مسلح؛ ۲۶ / ۰۷ / ۱۳۶۸

رسیدن به هدف‌های بلند نظام اسلامی، همّتی می‌خواهد به همان بلندی و پای استواری می‌خواهد تا بتواند این مسیر دشوار را تا رسیدن به قلّه‌ها طی کند و این جز با اتّصال به منبع قدرت، امکان‌پذیر نیست. هر جا شما در طول تاریخ، حاکمیت عدل و دین و معنویت و اخلاق را مشاهده کرده‌اید، در مرکزیت و قلب آن، يك دل آگاه و در مجموعه‌آن، دل‌های متوجّه و متضرّع الی‌الله را حتماً دیده‌اید. صدر اسلام نیز همین‌طور بوده است. در طول تواریخ گذشته، هر جا چنین پدیده‌ای پیدا شده - که نادر هم بوده - همین‌طور بوده است. زمان خود ما هم این پرچم به دست کسی برافراشته شد که دلِ ذاکر و روح خاضع و خاشع او را در مقابل خداوند همه بعینه مشاهده کردند و آثار آن را دیدند. ما باید خود را بیشتر به این سمت بکشانیم و متمایل کنیم. خود را نیازمند کمک الهی بدانیم. این را احساس کنیم. به تواناییهای خود و آنچه به نظر ما قدرت ماست، تکیه استقلال‌ی و ذاتی نکنیم. از خدا کمک بخواهیم و خود را محتاج اوبدانیم.^۱

همه‌ی هدف‌های يك جامعه‌ی نيك‌بخت، از قبیل: تأمین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادی، پرورش استعدادها و خلاقیت‌ها در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزت و استقلال و اقتدار ملی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدف‌های والا، در صورتی تأمین می‌شود که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم به ویژه در کارگزاران امور کشور، تأمین شود و انسان‌هایی پاك و برخوردار از همت و توکل و اخلاص و صبر و سخت‌کوشی در آن جامعه باشند که به یاری این پشتوانه‌ی روحی، توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و به ویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند. هرچه شمار این‌گونه انسان‌ها در جامعه و کشوری بیشتر باشد، افق آینده‌ی آن جامعه و آن کشور، روشن‌تر و حرکت به سوی نيك‌بختی در آن جامعه و آن کشور، ممکن‌تر و آسان‌تر خواهد بود.^۲

۱ - در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲ - پیام به پنجمین گردهمایی سالیانه نماز؛ ۱۳۷۴/۰۶/۱۴

اگر در قله‌های جوامع بشری - که نخبگان سیاسی و علمی و فرهنگی قرار دارند - اخلاق و معنویت و تزکیه وجود داشته باشد، این سرچشمه‌ی فیاض به دامنه‌ها خواهد رسید و مردم هم از اخلاق نیک برخوردار خواهند شد. مسؤولان کشور اسلامی در درجه‌ی اول مخاطب این سخند.^۱

در نظام جمهوری اسلامی غیر از دانایی و کفایت سیاسی، کفایت اخلاقی و اعتقادی هم لازم است. افرادی نگویند که اخلاق و عقیده مسأله‌ی شخصی انسان‌هاست. بله، اخلاق و عقیده مسأله‌ی شخصی انسان‌هاست؛ اما نه برای مسئول. من اگر در جایگاه مسئولیت قرار گرفتم و اخلاق زشتی داشتم؛ فهم بدی از مسائل جامعه داشتم و معتقد بودم که باید جیب خودم را پُر کنم، نمی‌توانم به مردم بگویم این عقیده و اخلاق شخصی من است و اخلاق و عقیده ربطی به کسی ندارد! برای يك مسئول عقیده و اخلاق مسأله‌ی شخصی نیست؛ مسأله‌ای اجتماعی و عمومی است؛ حاکم شدن بر سرنوشت مردم است. آن کسی که به مجلس می‌رود، یا به هر مسئولیت دیگری در نظام جمهوری اسلامی می‌رسد، اگر فاسد، بیگانه‌پرست و در خدمت منافع طبقات برخوردار جامعه بود، دیگر نمی‌تواند نقشی را که ملت و طبقات محروم می‌خواهند، ایفا کند. اگر آن شخص انسان معامله‌گر، رشوه و توصیه‌پذیر و مرعوبی بود؛ در مقابل تشریفاتی و سیاستهای خارجی جا زد، دیگر نمی‌تواند مورد اعتماد مردم قرار گیرد و برود آنجا بنشیند و تکلیف ملك و ملت را معین کند. این شخص غیر از کفایت ذاتی و دانایی ذاتی، به شجاعت اخلاقی، تقوای دینی و سیاسی و عقیده‌ی درست هم احتیاج دارد.^۲

شما که می‌خواهید رعایت اخلاق اسلامی را در قوانین تان مورد توجه قرار بدهید، خوب است که عملاً هم جلسات اخلاقی و معرفتی داشته باشید. انسان خالی می‌شود. در بحبوحه‌ی کار، انسان تهی می‌شود. يك مقداری باید در وسط این گرماگرم کارهای اجرائی، آسمانی شد، خدائی شد، بالا رفت، سبك شد و دوباره برگشت. بنده يك وقتی مثال می‌زدم به این آبی که از آسمان می‌آید پاکیزه و طاهر و طیب، بعد توی این استخرها و توی این دریاها و دریاچه‌ها آلوده می‌شود، بعد از آلوده شدن، باز تبخیر

۱ - همان

۲ - در دیدار استادان و دانشجویان قزوین؛ ۲۶ / ۰۹ / ۱۳۸۲

می‌شود، می‌رود بالا، دوباره پاکیزه می‌شود، برمی‌گردد. برویم بالا و پاکیزه شویم و برگردیم. من و شما خیلی احتیاج داریم.

ما از دورانی که در قم بودیم، يك رفيقی داشتیم که از لحاظ معنوی خیلی من به او دلبستگی داشتم، از جلسات ایشان - جلسات دوستانه‌ی دو نفری، سه نفری که می‌نشستیم با هم گعده‌های طلبگی می‌کردیم - من خیلی بهره می‌بردم، از معنویات او، از خلیات او، از گفتارها و رفتارهای معرفتی او. ایشان را سالها ندیده بودیم، چون رفته بود نجف و ما هم که اینجاها مشغول بودیم، سرگرم بودیم. بعد از آنکه من رئیس جمهور شده بودم، ایشان به ایران آمده بود. يك وقت تصادفاً ایشان را دیدم، گفتم رفيق! من الان به تو احتیاجم بیشتر از آن وقت است. من حالا رئیس جمهورم، آن وقت يك طلبه‌ی معمولی بودم. قرار گذاشتیم که هر هفته‌ای، دو هفته‌ای يك بار بیاید پیش ما. و همین جور هم بود تا از دنیا رفت. رحمة الله علیه. ما نیاز داریم. هر کدام مسؤولیت‌مان بیشتر است، نیازمان بیشتر است. «آنان که غنی‌ترند، محتاج‌ترند» به این جلسات اخلاقی، به این جلسات معنوی.^۱